

# طرح بحث: غیبت

طرح بحث: غیبت

مخاطب: با کم و زیاد کردن و شیوه بیان، عمومی



یکی از آفات زیانبار زبان که از گناهان بزرگ به شمار می رود غیبت است غیبت به کسر غین بر وزن زینت یعنی پشت سر دیگران بدگویی کردن و سخن ناخوشایند گفتن . این تعریف با شمول و عمومی که دارا است شامل انواع غیبت ، بهتان ، تهمت ، افک و حتی ذکر عیوب آشکار می شود و حال آنکه هر يك از این ها در اصطلاح تعریف خاصی داشته و از نظر شرعی دارای احکام ویژه ای است و همه آنها از مصادیق غیبت مصطلح به شمار نمی آید . بنا بر این ، مفهوم غیبت در لغت مفهومی است اعم از غیبت مصطلح و در احادیث نیز گاهی به همین معنی (مفهوم عام) اطلاق شده است .

وَقَدْ جَاءَ عَلَيَّ الْمَشْهُورِ قَوْلُ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ هَلْ تَدْرُونَ مَا الْغَيْبَةُ فَقَالُوا اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ قَالَ ذِكْرُكَ أَوْ خَاكَ بِمَا يَكْرَهُ

حدیث مشهوری از نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است که از اصحابش پرسید : آیا می دانید غیبت چیست ؟ اصحاب گفتند : خدا و رسولش آگاه است ، نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود : (غیبت) یادی از برادر مسلمانان کردن به چیزی که بدش می آید. (بحار الانوار ج 72 ص 222)

## غیبت در عبارات فقها

شرایط و قیودی که فقها آورده اند عبارت است از :

الف) غیبت جنبه کشف سر و افشاگری داشته باشد . بنا بر این ،

بازگو کردن عیبه‌ها و گناهان آشکار غیبت نیست و گناه غیبت بر آن بار نمی‌شود ، هر چند ممکن است از لحاظ توهین و تحقیر یا اشاعه فحشاء ممنوع و حرام بوده و کیفر و عقوبتش با درجه این گناه تناسب نداشته باشد .

ب) عیب مذکور دروغ نباشد ، یعنی در شخص مورد غیبت وجود داشته باشد. پس ، اگر واقعیت نداشته باشد تهمت است و گوینده آن به عنوان مفتری تحت کیفر قرار می‌گیرد و گناهِش از غیبت مصطلح بیشتر و شدیدتر است .

ج) انگیزه عیب جویی در میان باشد. بنا بر این ، اگر ذکر عیوب دیگران برای حفظ مصلحت آنان باشد شرعاً اشکالی ندارد ، هر چند طرف مقابل راضی نباشد. مثلاً بازگو کردن خصوصیات بیمار نزد پزشک از این قبیل است که مصلحت بیمار در افشای آن است ، هر چند ممکن است بیمار در بدو امر از اظهار آن ناراحت شود. همچنین ذکر محاسن اشخاص به عنوان تعریف و تمجید آنها غیبت نیست ، هر چند آنها از افشای محاسن خود ناراحت شوند. البته در صورتی که افشای محاسن موجب اذیت و آزار شخص شود کار خوبی نیست لکن نه به عنوان غیبت بلکه به عنوان ایذاء برادر مؤمن ، که برای خود حکم جداگانه ای دارد .

د) شخص مورد غیبت مشخص باشد چه با ذکر نام و سایر مشخصات یا با اشاره و کنایه ، بطوریکه شنونده طرف را بشناسد . پس ، اگر کلی و نامعلوم باشد و یا آنکه شنونده او را نشناسد غیبت محسوب نمی‌شود .

ه) شخص مورد غیبت مسلمان و برادر دینی انسان باشد . بنا بر این ، غیبت کافران و مشرکان و ملحدان اشکالی ندارد .

و) شخص مورد غیبت متجاهر به فسق نباشد. پس ، اگر کسی آشکارا مرتکب گناه می‌شود غیبت او جایز است ، زیرا چنین شخصی از گناه کردن و گناهکار بودن باکی ندارد و از اینکه مردم رفتار ناشایسته او را بفهمند هراسی به دل راه نمی‌دهد

این بود مجموع قیود و شروطی که در عبارات فقها و علمای اخلاق و حتی برخی از اهل لغت دیده می‌شود که به تبعیت از شرایط شرعی ذکر کرده‌اند. هر چند بعضی از این شروط در تحقق معنای لغوی دخالت ندارد ولی ، با توجه به شرایطی که در احادیث و منابع فقهی آمده است ، باید آن را در ترتیب احکام شرعی دخیل دانست . حال ، توجه

شما را به آیات و روایات وارده جلب می کنیم .

## غیبت از نظر قرآن

شکی نیست که غیبت از گناهان کبیره است و مرتکب کبیره مستحق دوزخ است .

چنانکه در ذیل آیه شریفه امام صادق علیه السلام فرمود :

وَعَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ  
عَنْ أَبِي فِضَّالٍ عَنْ أَبِي جَمِيلَةَ عَنْ الْحَلَبِيِّ  
عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ  
وَجَلَّ إِنَّ تَجْتَنِبُوا كَبَائِرَ مَا تُنْهَوْنَ عَنْهُ  
نُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَنُدْخِلِكُمْ مَدْخَلَ  
كَرِيمٍ نَسَاءً : 31 قَالَ الْكَبَائِرُ الَّتِي أَوْجَبَ اللَّهُ  
عَزَّ وَجَلَّ عَلَيْهَا النَّارَ

گناهان کبیره گناهانی است که خداوند مجازات آتش برای آنها مقرر داشته است . (وسائل الشیعة ج 15 ص 315)

قرآن کریم در چند مورد شدیداً از غیبت نکوهش نموده و از آن نهی کرده است ، از جمله : وَيَلُّ لِكُلِّ هُمَزَةٍ لِهْمَزَةٍ . وای بر عیب جویان هرزه گوی . (همزه)

... وَلَا يَغْتَبِ بَعْضُكُمْ بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ ...

... هیچ يك از شما از دیگری غیبت نکند . آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت مردار برادر خود را بخورد ؟ [ به یقین ] همه شما از این کار کراهت دارید [ پس بدانید که غیبت کردن مانند خوردن گوشت

مرده برادر دینی است ، از آن سخت بپرهیزید ... ] (حجرات 12)

از این دو آیه استفاده می شود که در غیبت ، انگیزه عیب جویی شرط است ، زیرا در آیه اول از غیبت به عنوان عیب جویی و هرزه گویی مذمّت شده و در آیه دوم غیبت را با خوردن گوشت مردار برادر دینی تنظیر نموده و این تنظیر به خاطر آن است که غیبت ترور شخصیت دیگران است ، گویی غیبت کننده به وسیله غیبت شخصیت آنها را له کرده و از صحنه بیرونشان می کند .

در اینجا غیبت کننده با غیبت دو کار انجام می دهد :

1 - آنکه دیگری را بی آبرو می کند

2 - آنکه بدین وسیله برای کسب وجاهت و آبروی خویش دست و پا می کند و در حقیقت ترور شخصیت دیگران را مایه حفظ آبروی خود می پندارد و به اصطلاح شخصیت خود را در گرو مردن دیگران و پایمال کردن آنها می بیند .

نکته دیگری که از این آیه استفاده می شود این است که غیبت تنها در مورد مسلمین حرام است زیرا دو عبارت بَعَثُكُمْ بِعَصَا حِجْرَاتٍ : 12 و لَعْنَةُ أَخِيهِ حِجْرَاتٍ : 12 اشاره به مؤمنان است و غیر مؤمنان را شامل نمی شود.

سومین نکته ای که ممکن است از آیه شریفه برداشت شود آن است که غیبت در صورتی موضوعیّت پیدا می کند که طرف مقابل حضور نداشته باشد ، زیرا علاوه بر آنکه لغت غیبت نشانه عدم حضور است کلمه میتا نیز به این معنی اشاره دارد ، چون در آیه شخص مغتاب (غیبت شونده) مانند مرده فرض شده است ، پس همان گونه که شخص مرده غایب است و نمی تواند از خود دفاع کند او نیز در اثر عدم حضور قادر به دفاع از آبرو و حیثیت خویش نیست .

نکته چهارم آنکه همان طور که مرده دیگر زنده نمی شود آبروی از دست رفته نیز قابل برگشت نیست .

چه بسیار افرادی که آزرده خاطر از دنیا رفتند و دیدارها به قیامت افتاد و آنگاه در پیشگاه خداوند متعال به محاکمه و دادخواهی برخوانند خاست . نعوذ بالله من شرّ الشّیطان و من غضب الرّحمن .

لَا يُحِبُّ اللّٰهُُ الْجَهْرَ بِالسُّوْءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَن ظُلِمَ وَكَانَ اللّٰهُُ سَمِيعًا عَلِيمًا . خداوند دوست ندارد کسی با سخنان خود بدیها را اظهار کند مگر آن کسی که مورد ستم واقع شده باشد . و خداوند شنوا و دانا است . (نساء 148)

از این آیات استفاده می شود که خداوند دوست ندارد بدیهای دیگران آشکار شود و عیوب آنان فاش گردد و آبروی مردم از بین برود .

### غیبت از نظر روایات

در روایات اسلامی نیز به طور جدّی از غیبت کردن نهی شده و آثار

سوئی برای آن بیان گردیده است که در این باره به طور مشروح به بحث می پردازیم ، زیرا مردم کمتر به حرمت و گناه غیبت توجه دارند ، و همان گونه که مرحوم شهید ثانی می فرماید : بیشتر مردم برای ادامه نماز ، روزه و بسیاری از عبادات و آنچه وسیله قرب مقام در نزد پروردگار می شود می کوشند و بسیاری از محرمات از قبیل زنا ، شرب خمر و ... را مرتکب نمی شوند و با این همه ، بیشتر اوقات خود را در مجالس لهو و خوشگذرانی و سخنان بیهوده و ... تلف می کنند و آبروی برادران دینی خود را می برند و آن را جزو گناهان به حساب نمی آورند ، گویی از مؤاخذه خداوند متعال در ارتکاب این گونه اعمال بیمی ندارند . خلاصه اینکه بسیاری از مردم مرتکب غیبت می شوند و گویا آن را گناه نمی دانند و از این نکته غافلند که کارهای دیگری که انجام می دهند و حسناتی که کسب می کنند با يك غیبت تمام آنها را از بین می برند .

(1) هتك آبروی مسلمان بدتر از رباخواری است .

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود :

عَنْهُ قَالَ خَطْبَنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَذَكَرَ الرَّبَّ بَا وَعَظَّمْ شَأْنَهُ فَقَالَ إِنَّ الدِّرْهَمَ يُصِيبُهُ الرَّجُلُ مِنَ الرَّبِّ بَا أَعْظَمُ عِنْدَ اللَّهِ فِي الْخَطِيئَةِ مِنْ سِتِّ وَثَلَاثِينَ زَنْبِيَةً يَزْنِيهَا الرَّجُلُ ... درهمی که انسان از ربا به دست می آورد گناهش نزد خدا از سی و شش زنا بزرگتر است و بالاترین ربا معامله کردن با آبروی مسلمان است . (بحار الانوار ج 72 ص 222)

(2) غیبت از زنا بدتر است . جابر بن عبد الله و أبي سعيد خدری از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده اند که فرمود :

عَنْ جَابِرٍ وَأَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ قَالَا قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِنَّ الْغَيْبَةَ فَإِنَّ الْغَيْبَةَ أَشَدُّ مِنَ الزَّوْنِ إِنَّ الرَّجُلَ قَدْ يَزْنِي وَيَتُوبُ فَيَتُوبُ اللَّهُ عَلَيْهِ وَإِنْ صَاحِبَ الْغَيْبَةِ لَا يُغْفَرُ لَهُ حَتَّى يَغْفِرَ لَهُ صَاحِبُهُ

از غیبت بپرهیزید که غیبت از زنا بدتر است ، زیرا زناکار ممکن است توبه کند و خدا توبه او را بپذیرد اما غیبت کننده مورد عفو قرار نخواهد گرفت مگر اینکه طرف از او راضی شود . (بحار الانوار

3) غیبت ، به منزله خوردن گوشت مرده است

همان گونه که قرآن مجید غیبت کردن را مانند خوردن گوشت برادر مؤمن می داند در روایات نیز به این مطلب اشاره و تأکید شده است : پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود :

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بُكَيْرٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ أَنَّ اللَّهَ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ سِبَابُ الْمُؤْمِنِ فُسُوقٌ وَقِتَالُهُ كُفْرٌ وَأَكْلُ لَحْمِهِ مَعْصِيَةٌ وَحُرْمَةُ مَالِهِ كَحُرْمَةِ دَمِهِ .

دشنام دادن به مؤمن ، گناه و جنگیدن با او کفر و خوردن گوشت او [ به وسیله غیبت ] معصیت است ، و احترام مال مؤمن مانند احترام خون اوست (کافی ج 2 ص 359)

اینکه قرآن مجید و روایات از غیبت تعبیر به خوردن گوشت انسان مرده می کنند بر شدت و بزرگی گناه گواهی می دهد و این گونه تعبیر فقط در باره غیبت وارد شده است . کسی که غیبت شخص دیگری را می کند چون طرف (غیبت شونده) حضور ندارد که از خود دفاع کند و در نتیجه آبرویش از بین می رود و شخصیتش در میان مردم له می شود ، تشبیه به مرده شده است . زیرا اگر آبروی کسی در میان اجتماع بریزد هیچ چیز نمی تواند آن را جبران کند و در میان مردم برای همیشه سرافکننده است . از این رو ، کسی که غیبت می کند مانند این است که گوشت برادر مسلمان خود را با اینکه مرده است می خورد تا برای خود کسب حیثیت کند .

مرحوم طبرسی در شأن نزول آیه شریفه وَلَا يَغْتَابَ بَعْضُكُمُ بَعْضًا حرات : 12 می نویسد :

الشَّيْخُ الطَّبْرَسِيُّ فِي مَجْمَعِ الْبَيِّنَاتِ ، وَالْجَوَامِعِ ، فِي قَوْلِهِ تَعَالَى وَلَا يَغْتَابَ بَعْضُكُمُ بَعْضًا نَزَلَ فِي رَجُلَيْنِ مِنْ أَصْحَابِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ اغْتَابَا رَفِيقَهُمَا وَهُوَ سَلَامَانُ بَعَثَاهُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لِيَأْتِي

لَهُمَا بِطَعَامٍ فَبَعَثَهُ إِلَى أُسَامَةَ بْنِ زَيْدٍ  
وَكَانَ خَازِنَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَلَيْهِ  
رَحْمَةً فَقَالَ مَا عِنْدِي شَيْءٌ فَعَادَ إِلَيْهِمَا  
فَقَالَا بَخِلَ أُسَامَةُ وَقَالَا لِسَلْمَانَ لَوْ بَعَثْنَاكَ  
إِلَى بَيْتِ سُمَيْدَةَ لَغَارَ مَاؤُهَا ثُمَّ انْطَلَقَا  
يَتَجَسَّسَانِ هَلْ عِنْدَ أُسَامَةَ مَا أَمَرَ لَهُمَا بِهِ  
رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَفِي الْجَوَامِعِ ، ثُمَّ  
انْطَلَقَا إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ  
رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَهُمَا مَا لِي أَرَى  
خُضْرَةَ اللَّحْمِ فِي أَفْوَاهِكُمَا فَقَالَا يَا رَسُولَ  
اللَّهِ مَا تَبْنَاؤُنَا فِي يَوْمِنَا هَذَا لِحَمٍّ قَالَ  
ظَلَلْتُمْ تَأْكُلُونَ لَحْمَ سَلْمَانَ وَأُسَامَةَ

این آیه در باره دو تن از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نازل شده است که از رفیق خود سلمان غیبت کردند. چون او را خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرستادند تا برایشان غذا بیاورد ، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم او را نزد اسامه بن زید که مسئول [ بیت المال ] بود فرستاد تا غذا بگیرد . اسامه گفت چیزی ندارم که به تو بدهم . هنگامی که سلمان نزد آن دو برگشت گفتند چرا غذا نیاوردی ؟ گفت خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم رسیدم ، ایشان مرا نزد اسامه فرستاد و او گفت الان چیزی ندارم ، به این جهت نتوانستم چیزی تهیه کنم . آن دو نفر گفتند : اسامه بخل ورزید و غذا نداد ، و در باره سلمان گفتند :

اگر او را به سراغ چاه سمیحه (اسم چاهی است) بفرستیم آب فروکش خواهد کرد و خشک خواهد شد . آنگاه این دو نفر راه افتادند تا نزد اسامه بیایند و بررسی کنند که چرا اسامه به سلمان غذایی نداده است . پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود : من آثار خوردن گوشت در دهان شما می بینم . گفتند : ما امروز گوشت نخورده ایم . فرمود : گوشت سلمان و اسامه را می خوردید : [ غیبت این دو را می کردید . ] سپس این آیه نازل شد . ( مستدرک الوسائل ج9 ص123)

روایات دیگری نیز رسیده که غیبت به منزله خوردن گوشت مسلمان مرده است . به هر حال ، این تشبیه بی سابقه در قرآن و نیز تأکید روایات در توضیح مطلب ، بیان کننده زشتی این عمل است که بدترین ظلم و ستم نسبت به برادر دینی است و در ننگین بودن این عمل همین

بس که گرگ نسبت به گرگ این کار را انجام نمی دهد :

وَلَيْسَ الذِّئْبُ يَأْكُلُ لَحْمَ ذِئْبٍ  
وَيَأْكُلُ كُلُّ بَعْضُنَا بَعْضًا  
عَيْنَانَا

گرگ [ با آن درندگی ] گوشت گرگ را نمی خورد ، ولی بعضی از ما به طور علنی [ گوشت ] بعضی دیگر را [ به وسیله غیبت ] می خورد.

(4) از بین رفتن اعمال نیک : غیبت سبب می شود اعمال نیکی که انسان انجام می دهد تباه گردد و از بین برود .

امام صادق علیه السلام فرمود : [ مصباح الشریعة ] قَالَ  
الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْغَيْبَةُ حَرَامٌ عَلَيَّ كُلِّ مُسْلِمٍ  
وَإِنَّهَا لَتَأْكُلُ الْحَسَنَاتِ كَمَا تَأْكُلُ الذَّارُ  
الْحَطَبَ

غیبت کردن برای هر مسلمانی حرام است و همان گونه که آتش هیزم را می خورد ، غیبت نیز کارهای نیک انسان را می خورد و از بین می برد. (کشف الریبه ص9)

گاهی انسان به خاطر ارتکاب غیبت تمام کارهای نیکی را که انجام داده است از بین می برد و ثواب اعمالش در نامه کسی که غیبت او را کرده است نوشته می شود ، که در این مورد توجه شما را به يك حدیث جلب می کنیم :

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود :

عَنْ سَعِيدِ بْنِ جُبَيْرٍ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ  
وآلِهِ أَنَّهُ قَالَ يُؤْتَى بِأُحَدٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ  
يُوقَفُ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ وَيُدْفَعُ إِلَيْهِ كِتَابُهُ  
فَلَا يَرَى حَسَنَاتِهِ فَيَقُولُ إِلَهِي لَيْسَ هَذَا كِتَابِي  
فَأَنْزَيْ لَأَرَى فِيهَا طَاعَتِي فَيُقَالُ لَهُ إِنَّ رَبَّكَ  
لَا يَضِلُّ وَلَا يَنْسَى ذَهَبَ عَمَلِكَ بِأَغْتِيَابِ النَّاسِ  
ثُمَّ يُؤْتَى بِآخَرَ وَيُدْفَعُ إِلَيْهِ كِتَابُهُ فَيَرَى  
فِيهَا طَاعَاتٍ كَثِيرَةً فَيَقُولُ إِلَهِي مَا هَذَا كِتَابِي  
فَأَنْزَيْ مَا عَمِلْتُ هَذِهِ الطَّاعَاتِ فَيُقَالُ لَأَنَّ  
فُلَانًا اغْتَابَكَ فِدْفَعَتْ حَسَنَاتُهُ إِلَيْكَ

در روز قیامت یکی از شما را در صحرای محشر برای رسیدگی به اعمالش

حاضر می کنند و نامه عملش را به دستش می دهند و هنگامی که به آن نگاه می کند از کارهای نیکی که انجام داده است چیزی در آن نمی بیند. عرض می کند : پروردگارا این نامه عمل من نیست زیرا از طاعات و عباداتی که در دنیا انجام داده ام چیزی در آن نمی بینم . به او گفته می شود پروردگار تو خطا و نسیان نمی کند و این نامه عمل از آن تو است اما به خاطر اینکه غیبت کردی کارهای نیک تو در نامه عمل کسی نوشته شده است که از او بدگویی کردی . سپس شخص دیگری را برای حساب می آورند و نامه عملش را به او می دهند . به نامه نگاه می کند ولی بر خلاف انتظارش طاعات و عبادات زیادی را در آن می بیند و از روی تعجب عرض می کند: خدایا این نامه عمل من نیست ، من در دنیا کارهای نیکی که در اینجا نوشته شده است انجام نداده ام . به او گفته می شود : چون فلان شخص از تو بدگویی کرده کارهای نیک او در نامه عمل تو نوشته شده است . (بحار الانوار ج 72 ص 259)

### 5) غیبت کننده از ولایت خدا بیرون است

امام صادق علیه السلام فرمود : مُحَمَّدٌ سَدُّ بَيْنِ يَحْيَىٰ عَنِ أَحْمَدَ بَيْنِ مُحَمَّدٍ سَدُّ بَيْنِ عَيْسَىٰ عَنِ مُحَمَّدٍ سَدُّ بَيْنِ سِدَّانِ عَيْنٍ مَّفْضَلٍ بَيْنِ عُمَرَ قَالَ قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَنْ رَوَىٰ عَلَيَّ مِنْ رِوَايَةٍ يُرِيدُ بِهَا شَيْئًا مِنْهُ وَهَدَمَ مَرْوَةَ تَهَ لِيَسْقُطَ مِنْهُ أَعْيُنَ النَّاسِ أَخْرَجَهُ اللَّهُ مِنْهُ وَلَا يَتَّهِ إِلَيَّ وَلَا يَتَّهِ الشَّيْطَانُ فَلَا يَقْبَلُهُ الشَّيْطَانُ

هر کس به منظور عیب جوئی و ریختن آبروی مؤمنی سخنی علیه او بگوید تا او را از چشم مردم بیندازد خداوند چنین کسی را از ولایت خودش بیرون می کند و به سوی ولایت شیطان می فرستد و شیطان او را نمی پذیرد . (کافی ج 2 ص 358)

### 6) غیبت دین انسان را از بین می برد

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود : عَلَيٌّ سَدُّ بَيْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنِ أَبِيهِ عَنِ النَّسَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الْغَيْبَةُ أَسْرَعُ فِي دِينِ الرَّجُلِ الْمُسْلِمِ مِنَ الْأَكْلَةِ فِي جَوْفِهِ : تأثير غیبت در دین مسلمان از خوره در جسم او سریع تر است . (کافی ج 2

## کیفر غیبت

1) بی شك ، کسی که مرتکب غیبت گردد در قیامت به عذاب سختی گرفتار خواهد شد .

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود : مَنْ أَكَلَ لَحْمَ أَخِيهِ فِي الدُّنْيَا قَرَّبَ إِلَيْهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَيُقَالُ لَهُ كَلَّاهُ مِثْلًا كَمَا أَكَلَتْهُ حَيْثَا فَيَأْكُلُهُ وَيَكْلَجُ وَيَضْحُ .

کسی که در دنیا گوشت برادر خود را بخورد و غیبتش را بکند روز قیامت که می شود او را پیش کسی که غیبتش را کرده است می برند و به او می گویند همان گونه که در دنیا گوشت او را در حالی که زنده بود خوردی اکنون که مرده است نیز گوشت او را بخور. پس از گوشت مرده او می خورد و از ناراحتی روی در هم می کشد و فریاد می زند . (مجموعه ورام ج 1 ص 116)

و نیز از آن بزرگوار نقل شده است که فرمود : عَنْ أَنَسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَرَرْتُ لَيْلَةَ أُسْرِي بِي عَلِيٍّ قَوْمٍ يَخْمِشُونَ وَجُوهَهُمْ بِأُظْأَفِيرِهِمْ فَقُلْتُ يَا جَبْرَائِيلُ مَنْ هَؤُلَاءِ قَالَ هَؤُلَاءِ الَّذِينَ يَغْتَابُونَ النَّاسَ وَيَقَعُونَ فِي أَعْرَاضِهِمْ : در شب معراج بر قومی گذشتم که صورتهای خود را با ناخنهای خویش می خراشیدند . از جبرئیل پرسیدم این ها چه کسانی هستند ؟ گفت : کسانی که پشت سر مردم بدگویی می کنند و حیثیت و آبروی آنان را از بین می برند . (بحار الانوار ج 72 ص 222)

## 2) غیبت و کاهش ارزش عبادات

در حدیث دیگری آمده است کسی که مرتکب غیبت شود ارزش عبادات او کم می شود .

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود : قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الْجُلُوسُ فِي الْمَسْجِدِ أَنْتِظَارًا لِلصَّلَاةِ عِبَادَةٌ مَا لَمْ يُحْدِثْ قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَا يُحْدِثُ قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الْإِغْتِيَابُ

نشستن در مسجد و انتظار کشیدن برای رسیدن وقت نماز عبادت است تا

زمانی که حدیثی از انسان سر نزند. سؤال شد : حدیث چیست ؟ فرمود :  
غیبت . ( بحار الانوار ج 74 ص 152 )

### 3) غیبت مانع قبولی اعمال

رسول خدا صلی الله علیه و آله در ضمن حدیثی فرمود : مأمورانی که مراقب اعمال انسان هستند عمل بنده ای را که مانند شعاع خورشید می درخشد به آسمان بالا می برند ولی فرشته ای که باید اعمال را قبول کند و بالا ببرد می گوید : **إِضْرِبُوا هَذَا الْعَمَلَ وَجْهَ صَاحِبِهِ أَنْزَا صَاحِبُ الْغَيْبَةِ أَمْرَنِي رَبِّي أَنْ لَا أَدْعُ عَمَلَ مَنْ يَغْتَابُ النَّاسَ يَتَجَاوَزَنِي إِلَي رَبِّي .**

این عمل را به صورت صاحبش بزنید زیرا من از طرف پروردگارم مأموریت یافته ام که نگذارم عمل نیک غیبت کنندگان از من بگذرد و به سوی پروردگارم برود . (کشف الريبه ص 6)

### 4) غیبت کننده از بهشت محروم است

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود : **الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ سَعِيدٌ فِي كِتَابِ الزُّهْدِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ وَأَنَّ عَمْرُو بْنَ خَالِدٍ عَنْ زَيْدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ آبَائِهِ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ تَحْرِمُ الْجَنَّةَ عَلَيَّ ثَلَاثَةٌ عَلَيَّ الْمَنْدَّانِ وَعَلَيَّ الْمُغْتَابِ وَعَلَيَّ مُدْمِنِ الْخَمْرِ: بهشت بر سه کس حرام است : منت گذار ، کسی که غیبت می کند و کسی که دائم الخمر باشد. (وسائل الشيعة ج 12 ص 281)**

تذکر :

غیبت کننده در صورتی که توبه کند و توبه اش پذیرفته شود باز هم آخرین کسی است که وارد بهشت خواهد شد : **أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيَّ مُوسَى بْنُ عِمْرَانَ أَنَّ الْمُغْتَابَ إِذَا تَابَ فَهُوَ أَوْسَلُ مَنْ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ وَإِنْ لَمْ يَتُوبْ فَهُوَ أَوْسَلُ مَنْ يَدْخُلُ النَّارَ**

خداوند به موسی بن عمران وحی فرستاد که غیبت کننده اگر توبه کند آخرین کسی است که داخل بهشت می شود ، و اگر توبه نکند نخستین فردی است که داخل آتش می شود . (بحار الانوار ج 72 ص 222)

## 5) غیبت کننده حلالزاده نیست

در برخی از احادیث آمده است کسی که پشت سر افراد غیبت می کند و آبروی آنان را از بین می برد و از شخصیت آنان می کاهد حلالزاده نیست ، چرا که اگر از راه حلال نطفه ای منعقد شود هرگز به این گناه آلوده نمی گردد .

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود : **وَقَالَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَذَبَ مَنْ زَعَمَ أَنَّ نَسَبَهُ وَوَلَدَهُ مِنْ حَلَالٍ وَهُوَ يَأْكُلُ كُلَّ لُحُومِ النَّاسِ بِالْغَيْبَةِ اجْتَنِبُوا الْغَيْبَةَ فَإِنَّ نَسَبَهَا إِدَامٌ كِلَابِ النَّارِ**

دروغ گفته است کسی که گمان می کند از حلال متولد شده با اینکه گوشت مردم را به وسیله غیبت می خورد زیرا غیبت خورش سگهای جهنم است . (مستدرک الوسائل ج9 ص121)

شاید مقصود از حلالزاده نبودن در این حدیث تغذیه و تولد از غذاهای حرام است و احتمالاً این خصیصه مربوط به کسانی است که کارشان همواره غیبت کردن و آزریدن دیگران است و فعل مضارع (و هو يأكل كل...) که بر استمرار دلالت دارد مؤید این احتمال است .  
الله اعلم .

## 6) غیبت کننده مؤمن نیست

در حدیث دیگری آمده است آن کس که پشت سر مسلمانی بدگویی کند ایمان ندارد. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود :

**وَعَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَا مَعْشَرَ مَنْ آمَنَ بِلِسَانِهِ وَلَمْ يُؤْمَرْ مِنْ بِقَلْبِهِ لَا تَطْلُبُوا عَوْرَاتِ الْمُؤْمِنِينَ وَلَا تَتَّبِعُوا عَثْرَاتِهِمْ فَإِنَّ مَنْ اتَّبَعَ عَثْرَةَ أَخِيهِ اتَّبَعَ اللّٰهَ عَثْرَتَهُ وَمَنْ اتَّبَعَ اللّٰهَ عَثْرَتَهُ فَضَحَّهٗ وَلَوْ فِي جَوْفِ بَيْتِهِ**

ای گروهی که تنها با زبان ایمان آورده اید ولی قلبتان ایمان نیاورده است غیبت مسلمانان نکنید و در عیوب پنهانی شان به جستجو نپردازید ، زیرا کسی که در امور پنهانی برادر دینی خود جستجو کند خداوند اسرار او را فاش می سازد و او را میان خانه اش رسوا می

## انواع غیبت

برخی تصور می کنند غیبت منحصر به زبان است ، حال آنکه از هر راهی که انسان نقص و عیب دیگری را بفهماند مانند گفتن ، نوشتن ، اشاره ، کنایه ، رمز ، تقلید در راه رفتن و ... تمام این ها غیبت و حرام است ، همان گونه که در روایات به این مطلب تصریح شده است .

عایشه می گوید : **مِنْ ذَلِكَ مَا رُوِيَ عَنِ عَائِشَةَ أَنَّهَا قَالَتْ دَخَلْتُ عَلَيْهِنَا امْرَأَةٌ فَلَامَسَنَا وَلَدَّتْهُ أَوْ مَاتَتْ بِرِيْدِي أَيْ قَصِيْرَةَ فَقَالَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ اغْتَبْتِيهَا**

زنی نزد ما آمد و هنگامی که بیرون رفت با دست خود اشاره کردم که این زن کوتاه قد است . پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود : غیبت او کردی . ( بحار الانوار ج 72 ص 224 )

به هر حال ، اگر کسی نام شخص معینی را ببرد یا به گونه ای سخن بگوید که شنوندگان از روی قراین و شواهد بفهمند که منظور گوینده کیست ، این نیز غیبت است .

پس ، اگر کسی بخواهد در این گونه موارد گرفتار غیبت نشود باید شیوه رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم را در پیش گیرد که وقتی خلافتی را می دید ، مردم را نصیحت می کرد و با عنوان کلامی و به صورت جمع ، بدون آنکه اشاره به فرد معینی کند ، می فرمود : چه شده است که گروهی چنین کارهایی انجام می دهند ؟

از عایشه نیز نقل شده است : روش رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم این بود که وقتی به آن حضرت خبر می رسید که فلان شخص سخن ناروایی می گوید ، برای اینکه به او لطمه ای نزنند نام وی را نمی برد بلکه می فرمود : چرا کسانی چنین سخن می گویند ؟

## حرمت استماع غیبت

همان طور که غیبت کردن حرام است گوش فرا دادن به غیبت نیز گناه و حرام است و در این مسأله هیچ گونه اختلافی در میان فقها و علمای اخلاق نیست . مرحوم صاحب جواهر و مرحوم شیخ انصاری فرموده اند : گوش فرادادن به غیبت حرام است و در حرمت آن هیچ گونه اختلافی نیست .



## مسئولیت گوش

قرآن کریم مسئولیت انسان را در محدوده زبان و سخن محصور نمی کند بلکه چشم و گوش و قلب و دل را نیز در مسئولیتهای انسان شریک می داند ، چنانکه می فرماید :

وَلَا تَقْفُ مَا لِيَدَيْكَ بِرِهِ عِلْمٌ إِنْ السَّمْعَ  
وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عِنْدَهُ مَسْئُولًا

از آنچه نمی دانی پیروی مکن چرا که گوش و چشم و دلها همه مسئولند . ( اسراء 36 )

در حدیثی آمده است : رُوِيَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ  
السَّلَامُ أَنَّ رَجُلًا جَاءَ إِلَيْهِ فَقَالَ لَهُ إِنْ لِي  
جِيرَانًا وَلَهُمْ جَوَارٍ يَتَغَنَّى بَيْنَ وَيَضْرِبُونَ  
بِالْعُودِ فَرُبُّمَا دَخَلْتُ الْمَخْرَجَ فَأَطِيلُ  
الْجُلُوسَ اسْتِمَاعًا مِنْ لِي لِهِنَّ فَقَالَ لَهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ  
لَا تَفْعَلْ فَقَالَ وَاللَّهِ مَا هُوَ شَيْءٌ آتَيْتَهُ  
بِرَجُلِي إِنْ مَا هُوَ سَمَاعٌ أَسْمَعُهُ بِأَذْنِي فَقَالَ  
الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ تَاللَّهِ أَنْتَ أَمَا سَمِعْتَ اللَّهَ  
يَقُولُ إِنْ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ  
كَانَ عِنْدَهُ مَسْئُولًا فَقَالَ الرَّجُلُ كَأَنْزِي لِمَ أَسْمَعُ  
بِهَذِهِ الْآيَةِ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ  
عَرَبِيٍّ وَلَا عَجَمِيٍّ لَا جَرَمَ أَنْزِي قَدْ تَرَكَتُهَا  
وَأَنْزِي أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ تَعَالَى فَقَالَ لَهُ الصَّادِقُ  
عَلَيْهِ السَّلَامُ قُمْ فَأَغْتَسِلْ وَصَلِّ مَا بَدَا لَكَ فَلَقَدْ  
كُنْتُ مُقِيمًا عَلَى أَمْرِ عَظِيمٍ مَا كَانَ أَسْوَأَ  
حَالِكَ لَوْ مِتَّ عَلَى ذَلِكَ اسْتَغْفِرَ اللَّهَ  
وَاسْأَلَهُ التَّوْبَةَ مِنْ كُلِّ مَا يَكْرَهُ ...

کسی خدمت [ امام صادق علیه السلام ] رسید و عرض کرد : همسایگان من کنیزکانی دارند که می خوانند و می نوازند ، گاهی که برای قضای حاجت بیرون می روم به خاطر اینکه نغمه ها و آواز آنها را بشنوم نشستن خود را طولانی تر می کنم . حضرت فرمود : این کار را مکن . آن مرد عرض کرد : به خدا سوگند به خاطر اینکه نغمه های آنها را بشنوم نمی روم بلکه گاهی که آنجا می روم و صدای آنها به گوشم می رسد قدری بیشتر می نشینم . امام صادق علیه السلام فرمود : مگر نشنیده ای که قرآن می فرماید : گوش و چشم و دلها همه مسئولند ؟

گفت : به خدا سوگند گویا هرگز این آیه را از هیچ کس - نه عرب و نه عجم - نشنیده بودم و اکنون این کار را ترک می کنم و از خداوند عفو و مغفرت می خواهم . امام صادق علیه السلام به او فرمود : برخیز غسل [ توبه ] کن و تا می توانی نماز بخوان ، چون به کار بسیار بدی عادت کرده بودی که اگر در آن حال می مردی در بدترین حالت از دنیا می رفتی و مسئولیت بزرگی می داشتی . اینک به درگاه خدا توبه کن و از او بخواه تا توبه ات را از کارهای زشتی که مرتکب شده ای بپذیرد . (تهذیب الاحکام ج 1 ص 116)

گوش خود را از شنیدن سخنان زشت حفظ کن ، همان طور که باید زبان را از زشت گویی حفظ کنی . زیرا گوش حقی بر انسان دارد که امام سجّاد علیه السلام در این باره می فرماید :

وَأَمَّا حَقُّ السَّمْعِ فَتَنْزِيهِهِ عَنْ أَنْ تَجْعَلَهُ طَرِيقًا إِلَى قَلْبِكَ إِلَّا لِفَوْهَةٍ كَرِيمَةٍ تُحْدِثُ فِي قَلْبِكَ خَيْرًا أَوْ تَكْسِبُكَ خُلُقًا كَرِيمًا فَإِنَّهُ بِبَابِ الْكَلَامِ إِلَى الْقَلْبِ يُؤَدِّي إِلَيْهِ ضُرُوبُ الْمُعَانِي عَلَيَّ مَا فِيهَا مِنْ خَيْرٍ أَوْ شَرٍّ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ وَأَمَّا حَقُّ بَصْرِكَ فَغَضُّهُ عَمَّا لَا يَحِلُّ لَكَ وَتَرْكُ ابْتِذَالِهِ إِلَّا لِمَوْضِعِ عِبْرَةٍ تَسْتَفِيدُ بِهَا بَصْرًا أَوْ تَسْتَفِيدُ بِهَا عِلْمًا فَإِنَّ الْبَصَرَ بِبَابِ الْاِعْتِبَارِ وَأَمَّا حَقُّ رَجْلَيْكَ فَإِنَّهُ لَا تَمْشِي بِهِمَا إِلَى مَا لَا يَحِلُّ لَكَ وَلَا تَجْعَلْهَا مَطِيئَتَكَ فِي الطَّرِيقِ الْمُسْتَخْفِةِ بِأَهْلِهَا فِيهَا فَإِنَّهَا حَامِلَاتُكَ وَسَالِكَةُ بِكَ مَسْئَلِكَ الدُّنْيَا وَالسَّبْقِ لَكَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ

اما حق گوش آن است که آن را مجرا و کانال ارتباط قلبت با خارج قرار ندهی جز در مورد انتقال سخنان کریمانه و حکیمانه ای که در دلت اندیشه و ایده خوبی پدید آورده و یا خلق کریمی نصیب تو کند ، زیرا گوش دری است به سوی دل که انواع و اقسام معنی خوب یا بد را به آن می رساند . و نیرویی نیست جز با استعانت به نیروی لا یزال الهی . (بحار الانوار ج 71 ص 10)

ردّ غیبت و دفاع از برادر دینی

در مسأله غیبت چهار تکلیف وجود دارد : 1 - حرمت غیبت 2 - حرمت گوش

کردن به 3 - نهی از منکر 4 - دفاع از حیثیت برادر مؤمن و حفظ آبروی او .

یعنی در مورد غیبت علاوه بر لزوم نهی از منکر و جلوگیری از وقوع جرم (به طور مطلق) ردّ غیبت و دفاع از آبروی برادر دینی واجب است

به عبارت دیگر ، هر چند گوش نکردن غیبت و بی اعتنائی به سخنان غیبت کننده به عنوان یکی از مصادیق نهی از منکر واجب است اما این مقدار کافی نیست بلکه بر هر فرد لازم است که از برادران دینی خود دفاع کند و در حفظ آبروی آنها بکوشد .

یعنی بر هر مسلمانی لازم است انتقادهای و عیبهای را که به برادر دینی اش وارد می شود با توجیه صحیح و خداپسندانه دفع کند و زمینه رشد شایعه پراکنیها و اشاعه فحشاء را از بین ببرد تا دیگر کسی جرأت نکند بدون حساب و کتاب در باره مؤمنان به شایعه سازی پردازد و حیثیت آنها را در معرض تهمت و افترا و غیبت قرار دهد ، زیرا خداوند عزیز و مهربان عزّت و عظمت و سربلندی مؤمنان را می خواهد و عواملی که این ارزش ها را تهدید می کند دشمن می دارد و بدین جهت دستور داده است که مسلمانان با ایمان در برابر این گونه عوامل مخربّ بی تفاوت نباشند و با شکستن سکوت به هیچ کس اجازه ندهند که با شایعه سازی و اشاعه فحشاء و غیبت ، محیط زیست اجتماعی را آلوده و حیثیت مؤمنان را لکه دار کند و با شایعات بی اساس ، حسّ اعتماد عمومی را متزلزل سازد. بعضی گمان کرده اند که ردّ غیبت همان نهی از منکر است که همه ملزمند در تمام موارد گناه از وقوع جرم و تکرار گناه جلوگیری کنند ، ولی چنانکه گفته شد مسأله ردّ غیبت از مقوله دیگری است و تنها جلوگیری و نهی از غیبت کافی نیست بلکه باید کاری کرد تا آب رفته به جوی باز گردد و از شخص غیبت شده اعاده حیثیت شود .

مرحوم شیخ انصاری می فرماید : ظاهر این است که ردّ غیبت غیر از نهی از غیبت است بلکه مقصود از ردّ غیبت این است که از غیبت شونده دفاع کند و او را یاری نماید ، بدین معنی که اگر غیبت مربوط به امور دنیوی باشد ، باید با گفتن اینکه این ها عیب نیست بلکه عیب آن چیزی است که خدای متعال از آن نهی فرموده و از جمله گناهانی که خدا نهی فرموده این است که برادرت را به چیزی که خداوند آن را عیب ندانسته یاد کنی [ به او گوشزد نمایی که غیبت کردن تو عیب است ] و اگر آن عیب دینی باشد [ مثل اینکه بگویند فلان شخص فلان گناه را انجام داده است ] باید به گونه ای آن را توجیه

کند که از عنوان گناه خارج شود . [ مثلا اگر به نامحرمی نگاه کرد بگوید شاید خیال می کرده یکی از محارم او است یا اگر ترك نماز کرده بگوید شاید فراموش کرده یا در جای دیگر و وقت دیگر نمازش را بجای آورده است و امثال آن از محملهای درست . ]

به این جهت شیخ انصاری در دنباله بحث می فرماید : پس اگر قابل توجیه نباشد باید به طریق دیگری او : [ غیبت شونده ] را یاری کند [ مثلا بگوید مؤمن که معصوم نیست ، گاهی مرتکب خطا می شود . ] و شایسته است انسان برای او طلب مغفرت نماید نه اینکه او را سرزنش و رسوا کند . چه بسا گناه توبیخ و سرزنش تو از گناه آن مؤمن نزد خدا بیشتر باشد . به هر حال ، انسان تا می تواند باید غیبت برادر دینی را رد کرده و از وی دفاع نماید .

### آثار مثبت ردّ غیبت

#### (1) نصرت دنیا و آخرت :

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود : مَنْ اغْتَابَ عِنْدَهُ أَوْ خُوهُ الْمُؤْمِنُ وَهُوَ يَسْتَطِيعُ نَصْرَهُ فَنَصْرَهُ نَصْرَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ .

کسی که نزد او از برادر دینی اش غیبت شود و در صورت امکان به یاری او برخیزد خدای تعالی در دنیا و آخرت او را یاری خواهد کرد . (وسائل الشیعة ج12 ص293)

#### (2) دفع بلايا :

از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده است : فِي عِقَابِ الْأَعْمَالِ بِإِسْنَادٍ تَقَدَّمَ فِي عِيَادَةِ الْأَمْرِيضِ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنَّهُ قَالَ فِي خُطْبَةٍ لَهُ وَمَنْ رَدَّ عَنْ أَخِيهِ غَيْبَةً سَمِعَهَا فِي مَجْلِسِ رَدِّ اللَّهِ عَنْهُ أَلْفَ بَابٍ مِنْ الشَّرِّ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ : کسی که در مجلسی غیبت برادر خود را بشنود و در مقام ردّ آن برآید و از او دفاع کند خداوند هزار نوع از شرور دنیا و آخرت را از او دور خواهد ساخت . ( وسائل الشیعة ج12 ص292)

#### (3) رفتن به بهشت :

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود : [ ثواب الا اعمال ]  
 أْبِي عَنِّ عَلايٍ عَنِّ أْبِيهِ عَنِّ النَّوْفَلِيِّ عَنِّ  
 السَّكُونِيِّ عَنِّ أْبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ  
 رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَنْ رَدَّ عَنِّي عِرْضَ  
 أَخِيهِ الْمُسْلِمِ وَجَدَّتْ لَهُ الْجَنَّةُ الْبَيْتَةَ : كَسَى كَسَى  
 از آبروی برادر مسلمان خود دفاع کند بهشت بر او واجب می شود .  
 بحار الانوار ج 72 ص 254

## آثار منفی رد نکردن غیبت

### 1) خواری دنیا و آخرت :

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم ضمن حدیثی فرمود : ...  
 وَإِنَّ خَذْلَهُ وَهُوَ يَسْتَطِيعُ نَصْرَهُ خَذْلَهُ اللَّهُ  
 فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ .

کسی که در حضور او از برادر دینی اش غیبت می شود و او می تواند  
 دفاع کند ولی یاری اش نکند خداوند او را در دنیا و آخرت به حال  
 خود وامی گذارد [ و او را خوار می کند . ] (وسائل الشیعة ج 12  
 ص 293)

### 2) گناه هفتاد برابر :

مرحوم شیخ صدوق در ضمن حدیثی از امام صادق علیه السلام نقل می  
 کند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود : ...  
 فَإِنَّهُ هُوَ لَمْ يَرُدَّهَا وَهُوَ قَادِرٌ عَلَى رَدِّهَا  
 كَانَ عَلَيْهِ كَوْزُرٍ مِّنْ اغْتَابِهِ سَبْعِينَ مَرَّةً كَسَى  
 که بتواند غیبت برادر خود را رد کند و کوتاهی ورزد گناه او هفتاد  
 برابر شخص غیبت کننده است . (وسائل الشیعة ج 12 ص 282)

مرحوم شیخ انصاری پس از ذکر این روایت می فرماید : شاید علت  
 افزایش گناه مستمع در این مورد به خاطر آن است که سکوت او موجب  
 تجرّی و جرأت غیبت کننده می شود و در نتیجه او را در ارتکاب  
 مجدد غیبت و دیگر گناهان تشویق می کند .

علاوه بر آنچه شیخ فرموده - سکوت او در این گونه موارد زمینه را  
 برای شایعه پراکنیها و هتک حرمتها فراهم و اذهان مردم را نسبت  
 به یکدیگر بد بین می سازد و باعث سلب اعتماد عمومی می شود و چه  
 بسا اشخاص مفید و خدمتگزار که در اثر این شایعات بی اساس

مظلومانه از صحنه کنار رفته اند و کسی از آنها دفاع نکرده است و در حقیقت عدم دفاع از کسانی که آماج تهمتها و غیبتها قرار می گیرند جامعه را به نا امیدی و خدمتگزاران صدیق را به سرخوردگی سوق می دهد. در چنین صورتی دیگر نهی از منکر به تنهایی نمی تواند حقوق این گونه مظلومان را استیفاء کند بلکه علاوه بر نهی از منکر مطالبی که در اثر غیبت و تهمت به شخص نسبت داده شده باید رد شود ، یعنی با توجیه صحیح و دفاع درست و منطقی باید تصوّرات و خاطرات نادرست را از دلها زدود و بد بینیها را به خوش بینی تبدیل کرد و از شخص غیبت شده اعاده حیثیت نمود .